دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
راهبردهای کارآفرینی در کشاورزی

چالش‌های توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ایلام)

نسرین کوهی[۱] و حامد چهارسوقی امین[۲]

۱- دانشجوی دکتری، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام
۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، واحد ایلام، (نویسنده مسوول: h_chaharsoughi@outlooook.com)
تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۴
صفحه ۵۵ تا ۶۱

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناسایی چالش‌های توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان ایلام انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۵۱ نفر از زنان کارآفرین روستایی شهرستان ایلام بودند که به شیوه سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که روایی محتوایی آن توسط نظر اساتید و متخصصان ترویج و توسعه روستایی صاحب‌نظر مورد تایید قرار گرفت. پایایی ابزار تحقیق نیز به کمک ضریب آلفای کرونباخ تعیین گردید (α=۰/۷۸). تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو بخش آمار توصیفی و تحلیل عاملی انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل عاملی با رویکرد اکتشافی منجر به شناسایی ٤ عامل گردید که در قالب چالش‌های آموزشی-ترویجی، چالش‌های اقتصادی و قانونی، چالش‌های فردی و روحی و چالش‌های فرهنگی- اجتماعی ۵۹/۰۸ درصد از واریانس کل را تبیین نمودند. چالش‌های آموزشی- ترویجی به‌عنوان عامل اول با مقدار ویژه ۲/٦۳۱ بیشترین سهم (۲۱/٦۲ درصد) و چالش‌های فرهنگی- اجتماعی با مقدار ویژه ۱/۳۰٦ کمترین سهم (۱۰/۸۸ درصد) را در تبیین واریانس کل داشتند.

واژه‌های کلیدی: چالش، توسعه، کارآفرینی، زنان روستایی، شهرستان ایلام

مقدمه

در جهان امروز به موازات تغییرات جاری در عرصه‌ی جهانی، پدیده بیکاری همه آحاد جامعه از جمله زنان را با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبه‌رو کرده است، در ایران نیز با وجود این که زنان، نیمی از سرمایه‌ی انسانی کشور را تشکیل داده‌اند، اما در عمل کمتر از یک ششم جمعیت فعال اقتصادی کشور را شامل می‌شوند. این امر حاکی از آن است که ساختار اقتصادی کشور به راحتی نمی‌تواند فرصت‌های شغلی مناسبی را برای زنان فراهم نماید (۴).

نگاهی به روند توسعه در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که کارآفرینی ابزاری کارآمد برای کاهش این چالش به‌شمار می‌رود (۱۸). کارآفرینی فرآیندی است که در آن کارآفرین، فعالیت اقتصادی کوچک و جدیدی را با سرمایه خود شروع می‌کند (۱۴). کارآفرینی، شامل تحلیل فرصت‌ها، آغاز و رشد یک سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، تأمین مالی و احتمالاً کسب موفقیت و سودآوری حاصل از آن می‌باشد (۶). کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش‌زمینه‌ای اساسی برای ارتقای سطح توسعه جامعه است. علاوه بر این، نوآوری که از مشخصه‌های اساسی کارآفرینی است به تولید محصولات جدید و ارایه خدمات جدیدتر و متنوع‌تر منجر شده و به این ترتیب قدرت انتخاب مردم افزایش یافته و زندگی آنها ساده‌تر می‌شود (۱۹).

کارآفرینی علاوه بر نقشی که در گسترش فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، کاهش بیکاری، افزایش مهارت‌های تولیدی و بازرگانی و نیز سودآوری اقتصادی دارد، در سطح اجتماعی نیز یک عامل متحول‌کننده و پویا می‌باشد. نقش‌آفرینی افراد و نهادهای مختلف جامعه به‌عنوان بازیگران توسعه در شبکه اجتماعی، افزایش مهارت‌های آنان، استفاده بهینه از منابع و از جمله بهره‌هایی است که از توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینی به بدنه جامعه می‌رسد (۱).

تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه آن، از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. بر اساس بیانیه جهانی کارآفرینی، همبستگی زیادی میان رشد اقتصاد ملی و سطح فعالیت کارآفرینی ملی و سازمانی وجود دارد. در هر کشوری کارآفرینان به‌صورت بالقوه وجود دارند. بنابراین، باید تلاش شود که توانایی‌های آنان بیشتر شده و مهم‌تر از همه، ساختارهای موجود اجازه دهند که کارآفرینان ابراز وجود کنند (۱۳).

توجه به مقوله کارآفرینی در مناطق روستایی، به‌دلیل تأثیرگذاری آن در ایجاد و توسعه فرصت‌های شغلی و کمک به رفع مشکل بیکاری، موضوعی مهم و حائز اهمیت است (۹). زیرا کارآفرینی با اثربخشی بالا به توسعه‌ی اقتصادی (از جمله ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها و رقابت‌پذیری) منجر می‌شود و از آنجا که نیمی از جمعیت کشور در روستا زندگی می‌کنند، بنابراین افزایش توان اقتصادی و تولیدی آنان نقش مهمی در اقتصاد جامعه خواهد داشت. کارآفرینی روستایی اساساً تفاوتی با کارآفرینی در شهر ندارد جز اینکه باید آن را در فضای روستا تصور نمود (۱۰).

از آنجا که زنان روستایی نیرویی برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستایی و افزایش نرخ رشد تولید محصولات کشاورزی هستند (۲۰)، لذا تلاش برای افزایش توانمندی، اشتغال و کارآفرینی آنان موجب افزایش اشتغال زنان در روستاها شده که خود عاملی در جهت توسعه‌ی کارآفرینی روستایی است. اما برای توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینانه، علاوه بر مساعد بودن عوامل محیطی و ساختاری، لازم است موانع و چالش‌های موجود بر سر راه

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]
[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]

توسعه کارآفرینی نیز شناسایی گردد تا در مناطق روستایی، مسیر رو به رشدی جهت توسعه در پیش گرفته شود. بنابراین، باید همه امکانات و عوامل ملی و محلی بسیج گردیده تا هم با صرف کمترین هزینه و هم در ابعاد گسترده‌تر همه بتوانند از همه مواهب و نتایج آن منتفع گردند (۱۲). در این راستا، محمدی (۱۵) موانع کارآفرینی را به سه دسته موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تقسیم‌بندی کرده است که باورهای غلط اجتماعی مبنی بر مشارکت زنان در فعالیت‌ها، عدم آگاهی زنان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی، بالاتر بودن نرخ بی‌سوادی زنان نسبت به مردان، پایین بودن درصد متخصصین در بین زنان از مهم‌ترین موانع فرهنگی بر سر راه اشتغال آنان در کشور می‌باشد.

جمعیت زنان شاغل روستایی در شهرستان ایلام ۱۰۸۸ نفر است اما از این تعداد تنها عده محدودی از آنان موفق به ایجاد اشتغال کارآفرینانه شده‌اند. بنابراین تحقیق حاضر درصدد است به بررسی چالش‌های کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان ایلام بپردازد، تا از طریق شناسایی این چالش‌ها، نقاط قوت و ضعف موجود در زمینه کارآفرینی زنان روستایی معلوم شده و با ارائه راه‌کارهای مناسب و بومی به توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی کشور کمک نمود.

در رابطه با چالش‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی مطالعاتی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

کارشناسان و علیزاده (۱۱) موانع تأمین مالی، تنگناهای مرتبط با بازار، فقدان برنامه‌ریزی راهبردی در صنایع تبدیلی محصولات باغی، کاغذبازی در فرآیند صدور مجوزها (نظام بروکراسی) و نیز ضعف نظام مدیریتی بخش خصوصی و تعاونی واحدهای تبدیلی و در نهایت ضعف هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی را در زمره عوامل تأثیرگذار بر صنایع تبدیلی این استان معرفی نمودند. چراغی و چوبچیان (۵) در پژوهشی اصلی‌ترین عامل بازدارنده توسعه کارآفرینی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر در بخش کشاورزی، عامل سیاست‌گذاری است که وجود مقررات دست و پاگیر در جهت اخذ وام‌های بانکی در رتبه اول و توجه ناکافی به توسعه‌ی کارآفرینی در سیاست‌گزاری‌های کلان کشور و فقدان سیاست‌های قانون‌گذاری و مشوق‌های مالیاتی در رتبه‌های دوم و سوم قرار داشتند.

مرجانی و صدری (۱۶) در پژوهشی نبود دسترسی به منابع مالی، نداشتن فضای کسب و کار، نداشتن انگیزه، نداشتن مهارت‌های لازم برای کسب و کار، نداشتن ایده‌های مناسب و نو برای کارآفرینی و قوانین و مقررات دست و پاگیر، به‌عنوان موانع فعالیت‌های کارآفرینی اجتماعی عنوان نمودند.

علیدوستی و لشگرآرا (۳) اذعان دارند که نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین موانع فرهنگی- اجتماعی، موانع اقتصادی، موانع سیاست‌گزاری، موانع روان‌شناختی و موانع آموزشی نشانگر آن است که بین عوامل مذکور با توسعه کارآفرینی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد ولی بین موانع فنی و توسعه کارآفرینی رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

علیدوستی و همکاران (۴) در اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان روستایی شهرستان گرمسار به این نتیجه رسیدند که موانع اقتصادی، آموزشی، روانشناختی، فرهنگی- اجتماعی، سیاست‌گذاری و فنی به‌ترتیب مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه کارآفرینی این قشر از جامعه می‌باشند.

پورقاسم و همکاران (۱۷) مهم‌ترین چالش‌های کارآفرینی روستایی را عدم دسترسی به سرمایه و امکانات، مشکل در عرضه کالاها، امکان ریسک کمتر در روستاها و کمبود سازمان‌های حمایت‌کننده مطرح کردند.

چودهاری و رایالوار (۶) چالش‌های اصلی زنان کارآفرین در توسعه‌ی مهارت‌ها را در قالب مشکلات آموزشی، تقسیم زمان بین کار و خانواده، سرمایه شروع کار، وجود واسطه‌ها در دسترسی به مواد اولیه، موانع روانشناختی، مساعدت‌های ناکافی، شکست‌های زیاد، فقدان دانش فنی، استعداد و زیرساخت‌های ضعیف شناسایی نمودند.

دورو (۸) به این نتیجه رسید که کارآفرینی برای رشد و توسعه اقتصادی لازم بوده و مهارت جزو مؤلفه‌های ضروری آن است و از آنجا که یکی از چالش‌های کارآفرینان فقدان دانش پایه و تکنولوژی می‌باشد. لذا، باید تجدیدنظر در بخش آموزش با تأکید بر علم و تکنولوژی صورت گیرد و جوانان به جای اینکه منتظر اقدامات دولت باشند خود باید به سمت خوداشتغالی بروند.

آهیرو و ساداوارت (۲) نشان دادند که عدم شناخت امور مالی، ناتوانی ارائه وثیقه، کمبود سرمایه ثابت اندک، پیچیدگی فرایند دریافت وام و نگرش منفی بانک‌ها نسبت به زنان و عدم بازپرداخت به موقع اقساط از جمله عوامل مالی محدودکننده کارآفرینی زنان در هند می‌باشد.

گزارش (۲۲) درباره "توسعه کارآفرینی خرد زنان و جوانان" نشان داد که محدودیت‌ها و چالش‌های برنامه‌های توسعه کارآفرینی عبارتند از : عدم دسترسی به مؤسسات مالی، کمبود سرمایه اجتماعی، کمبود دانش و مهارت کارآفرینی، عدم وجود تکنولوژی‌های مدرن می‌باشد. بر اساس این مطالعه، محدودیت‌های دیگری که زنان در توسعه کارآفرینی خرد با آنها مواجه شدند شامل: موانع رفتاری، موانع فرهنگی – اجتماعی، موانع آموزشی، دسترسی به فناوری، دسترسی به خدمات پشتیبانی، دسترسی به زمین و دسترسی به اطلاعات بود.

ساتیاباما (۲۱) بیان کردند که زنان کارآفرین علاوه بر اینکه با موانع بازاریابی برای تولیدات مواجه هستند، عوامل دیگری نیز مانند مسئولیت‌های خانوادگی در بعضی از موارد مانع دست‌یابی آنان به بعضی از فرصت‌ها می‌شود، به‌علاوه اینکه آنها در بعضی از کشورها با موانعی در رابطه حق مالکیت دارایی‌ها مواجه هستند.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با هدف شناسایی چالش‌های توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان ایلام انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۵۱ نفر از زنان کارآفرین روستایی

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]
[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]

شهرستان ایلام بودند که با توجه به حجم کم جامعه از روش سرشماری برای مطالعه استفاده شد. تدوین پرسش‌نامه با توجه به مبانی نظری موضوع و نتایج مطالعات انجام گرفته توسط سایر محققین و مطالعه منابع و مراجع مربوطه، صورت گرفت. به‌منظور بررسی روایی محتوایی ابزار تحقیق، پرسش‌نامه اولیه در اختیار اساتید و متخصصان و صاحب‌نظران مرتبط با موضوع قرار گرفت که پس از انجام اصلاحات و اعمال نظرات، روایی آن مورد تأیید قرار گرفت. پایایی ابزار تحقیق نیز به‌کمک ضریب آلفای کرونباخ تعیین گردید که ضریب آلفای به‌دست‌آمده (۰/۷۸) حاکی از قابلیت اطمینان بالای ابزار تحقیق بود. متغیرهای تحقیق شامل ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای (سن، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، سابقه فعالیت و نوع فعالیت) و چالش‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان ایلام (در قالب ۲۸ گویه) بودند. پردازش داده‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه۲۰ در دو بخش آمار توصیفی و تحلیل عاملی با و رویکرد اکتشافی انجام شد.

نتایج و بحث

توصیف ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای

بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سنی نمونه‌ی آماری ۳۷/۱۲ سال با انحراف معیار ۱۱/۵۷ می‌باشد. ۶۴/۷ درصد از افراد نمونه آماری متاهل و ۳۵/۳ درصد آنان مجرد هستند. در مجموع، سطح تحصیلات ۴۳/۱ درصد از زنان کارآفرین روستایی شهرستان ایلام دیپلم می‌باشد. سابقه فعالیت ۷۴/۵ درصد پاسخ‌گویان کمتر از ۱۰ سال بود و در ۲۷/۵ درصد موارد، فعالیت کارآفرینی زنان مربوط به تهیه نان محلی بوده است (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی مربوط به ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای افراد مورد مطالعه

Table 1. Frequency distribution related to the individual and professional characteristics of the subjects studied

متغیر	رده	فراوانی	درصد نسبی	درصدتجمعی
سن	کمتر از ۳۰ سال	۷	۱۳/۷	۱۳/۷
	۳۰ تا کمتر از۴۰ سال	۱۷	۳۳/۳	۴۷
	۴۰ تا کمتر از ۵۰ سال	۱۲	۲۳/۵	۷۰/۵
	۵۰ سال و بالاتر	۱۵	۲۹/۵	۱۰۰
وضعیت تاهل	مجرد	۱۸	۳۵/۳	۳۵/۳
	متاهل	۳۳	۶۴/۷	۱۰۰
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۶	۱۱/۸	۱۱/۸
	زیردیپلم	۱۵	۲۹/۵	۴۱/۳
	دیپلم	۲۲	۴۳/۱	۸۴/۴
	فوق دیپلم	۴	۷/۸	۹۲/۲
	کارشناسی و بالاتر	۴	۷/۸	۱۰۰
سابقه فعالیت	کمتر از ۱۰ سال	۳۸	۷۴/۵	۷۴/۵
	بالاتر از ۱۰ سال	۱۳	۲۵/۵	۱۰۰
نوع فعالیت	کارگاه‌های صنایع دستی	۹	۱۷/۶	–
	آموزش آرایشگری	۱۲	۲۳/۵	–
	کارگاه خیاطی	۸	۱۵/۷	–
	نانوایی	۱۴	۲۷/۵	–
	تبدیل مواد غذایی (تهیه ترشی، مربا، ماست، دوغ و ....)	۸	۱۵/۷	

تحلیل عاملی چالش‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان ایلام

مرحله اول: با توجه به مقدار K.M.O=۰/۷۱۲ به‌دست آمده و آماره بارتلت ۹۱۶۳/۲۸۵ در سطح معنی‌داری بالاتر از ۰/۹۹، تحلیل عاملی برای بررسی چالش‌های توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی در شهرستان ایلام مناسب تشخیص داده شد. بر این اساس با توجه به مطالعات پیشین، ۲۸ چالش در مقیاس لیکرت (از خیلی‌کم تا خیلی‌زیاد) استخراج و در اختیار زنان کارآفرین روستایی شهرستان ایلام قرار داده شد تا دیدگاه خود را نسبت به این موانع و میزان اهمیت آنها بیان نمایند.

مرحله دوم: در این تحقیق ۴ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از یک استخراج شدند که در مجموع ۵۹/۰۸ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کنند. با توجه به مقدار ویژه‌ی جدول ۲، چالش آموزشی- ترویجی به‌عنوان عامل اول با مقدار ویژه ۲/۶۳۱ بیشترین سهم (۲۱/۶۲ درصد) و چالش‌های فرهنگی - اجتماعی با مقدار ویژه ۱/۳۰۶ کمترین سهم (۱۰/۸۸ درصد) را در تبیین واریانس کل داشتند.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]
[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]

جدول ۲- عوامل استخراج‌شده با مقدار ویژه، درصد واریانس و واریانس تجمعی
Table 2. Extracted factors with eigenvalue, percentage of variance and cumulative variance

نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
آموزشی ـ ترویجی	۲/۶۳۱	۲۱/۶۲	۲۱/۶۲
اقتصادی و قانونی	۱/۷۵	۱۴/۵۹	۲۱/۳۶
فردی و روحی	۱/۴۴	۱۱/۹۹	۴۸/۲۰
فرهنگی ـ اجتماعی	۱/۳۰۶	۱۰/۸۸	۵۹/۰۸

ماخذ: یافته‌های تحقیق

مرحله سوم: به‌منظور جداسازی عامل‌ها به‌صورت روشن‌تر، از چرخش عاملی به روش واریماکس استفاده شد. پس از بررسی گویه‌های مربوط به هر عامل و بار عاملی آنها، عوامل به این ترتیب نام‌گذاری شدند: چالش‌های آموزشی- ترویجی، اقتصادی و قانونی، فردی و روحی و فرهنگی- اجتماعی (جدول ۳).

جدول ۳- توزیع فراوانی گویه‌های مرتبط با چالش‌های توسعه کارآفرینی زنان روستایی
Table 3. Distribution of items related to the challenges of rural women's entrepreneurship development

چالش‌ها	گویه‌ها	بار عاملی
آموزشی - ترویجی	پایین‌بودن سطح تحصیلات زنان در روستا	۰/۴۴۸
	عدم وجود تجهیزات آموزشی کافی و مناسب	۰/۴۴۶
	عدم تطابق کلاس‌های آموزشی با علایق و استعدادهای زنان	۰/۴۳۶
	تنوع کم مهارت‌های آموزش داده‌شده	۰/۴۱۲
	فقدان دانش و آگاهی از شیوه‌های تامین مالی راه‌اندازی کسب وکار روستایی	۰/۴۰۵
	برگزاری کلاس‌های آموزشی در ساعات نامناسب	۰/۳۹۱
اقتصادی و قانونی	کمبود سرمایه و نقدینگی زنان	۰/۴۲۲
	بالابودن سود تسهیلات بانکی	۰/۴۱۷
	نبود شبکه بانکی مناسب در روستا	۰/۴۱۳
	محدودیت‌های قوانین و مقررات در جهت فعالیت مستقل زنان در جامعه	۰/۴۱۰
	دسترسی دشوار زنان به اعتبارات به دلیل نداشتن وثیقه و ضامن	۰/۴۱۱
	محدودیت بازار تقاضا در روستا	۰/۴۰۲
	سودمندنبودن فعالیت‌ها به دلیل کمبود تقاضا	۰/۳۹۶
فردی و روحی	عدم انگیزه برای انجام فعالیت در محیط روستا	۰/۲۸۹
	تعدد نقش‌های داخل منزل	۰/۲۷۱
	نداشتن تبحر، تخصص و مهارت فنی لازم برای راه‌اندازی کسب و کار	۰/۲۶۳
	ترس از شکست	۰/۲۱۳
	عدم وجود روحیه کارآفرینی	۰/۲۰۱
	خرافاتی و تقدیرگرا بودن	۰/۱۹۸
	عدم همکاری اعضای خانواده جهت انجام امور داخل منزل	۰/۱۹۶
	وجود فرزندان خردسال در منزل و نیاز به نگهداری از آنها	۰/۱۲۷
فرهنگی - اجتماعی	اجبار مردان به تبعیت همسرانشان از خواسته‌های آنها	۰/۲۷۵
	داشتن نگرش منفی نسبت به اشتغال زنان در روستا	۰/۲۶۸
	عدم تشویق و ترغیب از سوی خانواده	۰/۲۵۱
	نابرابری در امکان اشتغال زنان و مردان در محیط روستا	۰/۲۱۸
	اعتقاد به ناتوانی زنان در اداره فعالیت‌های اقتصادی مستقل	۰/۱۵۹
	محدودیت زنان از برای حضور در اجتماع	۰/۱۰۷
	وابستگی زنان روستایی به مردان در انجام امور خارج از منزل	۰/۱۰۴

ماخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]
[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]

نتایج تحلیل عاملی نشان داد:

– عامل اول در قالب ۶ گویه، ۲۱/۶۲ درصد از واریانس کل را تبیین نموده، که به‌دلیل داشتن مقدار ویژه بالاتری نسبت به سایر عوامل (۲/۶۳۱) در رتبه اول قرار گرفته است و نسبت به دیگر چالش‌ها از اهمیت بالاتری برخوردار بود. گویه‌هایی که در این عامل قرار گرفته‌اند نشان‌دهنده مشکلات آموزشی- ترویجی در زمینه توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی می‌باشند. به‌همین دلیل، عامل اول با عنوان چالش‌های آموزشی- ترویجی شناخته شد. از آنجا که فعالیت‌های کارآفرینی نیازمند به‌کارگیری طیف وسیعی از آموزش‌های نظری و مهارتی می‌باشد، لذا با توجه به محدودیت تجارب کاری و شغلی کارآفرینانه در محیط روستا ضروری است برای کسب موفقیت در فرآیند کسب و کار، فرد از آموزش‌های لازم بهره‌مند شده تا مهارت و دانش لازم را در این زمینه بدست آورد. بنابراین، وجود موانع آموزشی مانند تنوع کم در تعداد محدود نوع مهارت‌های مورد آموزش، برگزاری کلاس‌های آموزشی در ساعات نامناسب، فقدان دانش و آگاهی زنان از شیوه‌های تامین مالی راه‌اندازی کسب و کار روستایی، موجب عدم توسعه کارآفرینی در بین زنان روستایی شهرستان ایلام شده است. قابل ذکر است که در منطقه مورد مطالعه به‌دلیل شرایط خاص فرهنگی، حضور بانوان در ساعات نامناسب (ساعات مربوط به خانه‌داری- پخت و پز، بچه‌داری، و نیز منتهی به غروب و شب) و بدون اجازه شوهر امکان‌پذیر نمی‌باشد. نتیجه بدست‌آمده با نتایج تحقیقات مرجانی و صدری (۱۶)، علیدوستی و همکاران (۳)، چودهاری و رایالوار (۶) و دورو (۸) هم‌سو می‌باشد. در این رابطه، پیشنهاد می‌شود کلاس‌های مهارت‌آموزی به‌صورت تخصصی، با توجه به امکانات منطقه و علایق و استعدادهای زنان روستایی در زمان و مکان مناسب برگزار گردد. برای رسیدن به زمان و مکان مناسب دوره‌های آموزشی می‌توان از خود این زنان کمک گرفت.

– عامل دوم در قالب ۷ گویه، ۱۴/۵۹ درصد از واریانس کل را تبیین نموده، که به‌دلیل داشتن مقدار ویژه بالاتر، پس از عامل اول، (۱/۷۵) در رتبه دوم قرار گرفت. گویه‌هایی که در این عامل قرار گرفتند نشان‌دهنده مشکلات اقتصادی و قانونی در توسعه‌ی کارآفرینی زنان روستایی می‌باشند. به‌همین دلیل، عامل دوم با عنوان چالش‌های اقتصادی و قانونی نام‌گذاری شد. دنبال کردن یک طرح کارآفرینی در یک محیط کوچک روستایی با توجه به محدودیت منابع مالی، موجب ایجاد فضای رقابتی بین متقاضیان وام و تسهیلات شده و از آنجا که در روستاهای ایران سیستم مشخصی برای دسترسی کارآفرینان روستایی به منابع مالی به‌صورت آسان وجود ندارد، بنابراین زنان روستایی کمتر موفق به اخذ وام از سیستم بانکی کشور شده و به‌دلیل کمبود منابع و ضعف بنیه مالی از انجام فعالیت‌های کارآفرینی سرباز می‌زنند. از آنجا که استان ایلام از جمله استان‌های محروم و غیربرخوردار کشور به حساب می‌آید، بسیاری از زنان روستایی به‌دلیل فقر مالی حکام بر منطقه چنانچه به منابع مالی و پولی دست یابند ترجیح می‌دهند که آن به جای راه‌اندازی کسب و کار، آن را صرف رفع نیازهای کوتاه‌مدت و فوری خود صرف نمایند. مانند خرید جهزیه برای دختران دم بخت و نیز صرف هزینه درمانی احتمالی برای خود با خانواده خویش. از سوی دیگر به‌دلیل حضور جو بی‌اعتمادی در جامعه‌ی روستایی به کارآفرینی این زنان، بعضاً نزدیکان، خویشاوندان و حتی شوهران آنها تن به ضمانت بانکی آنها نمی‌دهند. این در حالی‌که یکی از شروط اعطای وام و تسهیلات کارآفرینی از سوی این بانک‌ها و صندوق‌های مالی و اعتباری، ضامن معتبر است. این نتیجه با نتایج تحقیقات کارشناسان و علیزاده (۱۱)، چراغی و چوبچیان (۵)، مرجانی و صدری (۱۶)، علیدوستی و همکاران (۳)، پورقاسم و همکاران (۱۷)، چودهاری و رایالوار (۶) و آهیرو و ساداوارت (۲) مطابقت دارد. در رابطه با این یافته پیشنهاد می‌شود با رفع موانع موجود در اعطای تسهیلات مناسب به زنان کارآفرین روستایی از طریق حذف وثیقه و ضمانت‌های غیرقابل دسترس برای آنان، مشکل تأمین منابع مالی زنان کارآفرین برطرف گردد.

– عامل سوم در قالب ۸ گویه، ۱۱/۹۹ درصد از واریانس کل را تبیین نموده، و با مقدار ویژه (۱/۴۴) در رتبه سوم قرار گرفته است. گویه‌هایی که در این عامل قرار دارند گویای مشکلات فردی و روحی در توسعه کارآفرینی زنان روستایی می‌باشند. به‌همین دلیل، با عنوان چالش‌های فردی و روحی شناخته شدند. عدم برخورداری از روحیه کارآفرینی، نداشتن مهارت و ترس از شکست، از جمله موانع فردی و روحی است که زنان را از انجام فعالیت‌های کارآفرینانه باز می‌دارد. همچنین، تعدد نقش‌ها و مسوولیت نگهداری و تربیت فرزندان و انجام وظایف خانه همواره از اموری است که برعهده زنان می‌باشد. بنابراین، ایجاد تعادل بین زندگی کاری و خانوادگی از مشکلات خاص زنان شاغل و کارآفرین روستایی محسوب می‌شود. قابل ذکر است که در جامعه روستایی مورد مطالعه چنانچه شوهر یا پسر خانواده در یک فعالیت اقتصادی و مالی پر ریسک دچار ضرر و زیان مالی گردد، نسبت به زن یا دختر آن خانواده کمتر مورد سرزنش سایر اعضای خانواده قرار می‌گیرند. همین خود عاملی برای ترس، عدم اعتماد به نفس و عدم هرگونه فعالیت همراه با ریسک اقتصادی برای این گونه زنان می‌شود. این یافته با یافته‌های مرجانی و صدری (۱۶)، علیدوستی و همکاران (۳) و چودهاری و رایالوار (۶) هم‌سو می‌باشد.

– و عامل آخر در قالب ۷ گویه، ۱۰/۸۸ درصد از واریانس کل را تبیین نموده و به‌دلیل اینکه کمترین مقدار ویژه را در میان عامل‌های تحقیق دارا می‌باشد (۱/۳۰۶)، در رتبه آخر (چهارم) قرار گرفته است. گویه‌های این عامل حاکی از وجود مشکلات فرهنگی- اجتماعی است، بنابراین به‌عنوان چالش‌های فرهنگی- اجتماعی نام گرفتند. موانع فرهنگی- اجتماعی و نگرش منفی جوامع روستایی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی زنان نه تنها امکان رشد کسب و کار را برای زنان فراهم نمی‌سازد، بلکه مانع جدی بر سر راه پیشرفت و خوداتکایی آنان محسوب می‌شود. قابل توضیح است که در منطقه مورد مطالعه این باور فرهنگی در بین مردان خانواده حاکم است که زن باید صرفاً به امورات داخل خانه مانند پخت

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]
[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]

و پز، بچه‌داری و رسیدگی به درس و مشق بچه رسیدگی کند و حق کارکردن در خارج از خانه را ندارد. این یافته با نتیجه تحقیق علیدوستی و همکاران (۳) هم‌سو می‌باشد. در این رابطه نیز پیشنهاد می‌شود با از طریق رسانه‌های جمعی به فرهنگ‌سازی و تغییر در نگرش روستاییان نسبت به فعالیت‌های اقتصادی زنان پرداخته شود تا شرایط فرهنگی لازم برای گرایش و توسعه فعالیت‌های اقتصادی و کارآفرینی زنان روستایی فراهم شود.

منابع

1. Aezami, A., D. Khagaeeyan, R. Tavalaei and H. Khastar. 2009. Realizing social security in the context of entrepreneurship. Organizational Development Police, 3 (In Persian).
2. Ahirrao, J. and M.N. Sadavarte. 2010. Social and financial constraints of rural women entrepreneurship: a case study of Jalna distinct in Maharashtra. The International Referred Research Journal, 2(20): 14-17.
3. Alidoosti, S. and F. Lashgarara. 2013. Barriers to entrepreneurship development (Case study: Garmsar county). Journal of Agricultural Extension and Education Researches, 6(1): 16-7 (In Persian).
4. Alidoosti, S., F. Lashgarara and S.J. Farajollah Hosseini. 2013. Prioritizing barriers to entrepreneurship development in rural women in Garmsar County. National Conference on Entrepreneurship and Business Knowledge Management, Rasht: Mazandaran University (In Persian).
5. Cheraghi, S. and SH. Choobchian. 2017. Identifying barriers to entrepreneurship development in the field of renewable energies in agricultural sector. Iran. Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture, 3(6): 23-31 (In Persian).
6. Choudhary, K.N. and A. Rayalwar. 2011. Opportunites and challenges for rural women entrepreneurship in India.Variorum Multi-Disciplinary e-Research Journal, 01(111). From: www.ghws.in/chariti/variorum.
7. Drucker, P. 1985. Innovation and entrepreneurship, NY: Harper Collins Publisher.
8. Duru, M. 2011. Entrepreneurship opportunities and challenges in Nigeria. Business and Management Review, 1(1): 41-48. From: www.bmr.businessjournalz.org.
9. Eftekhari, A.R. and G.H. Sajassi. 2010. Rural development with emphasis on entrepreneurship (Definitions, Viewpoints and Experiences), Tehran, SAMT Publications (In Persian).
10. Fry, F. 1993. Entrepreneurship: a planning approach. Englewood Cliffs NJ: Prentice–Hall.
11. Karshenasan, A. and M. Alizadeh. 2018. Challenges and opportunities for development of entrepreneurship in the industrial conversion of garden product (case study: North Khorasan province). Journal of Entrepreneurial Strategies in Agriculture, 4(8): 44-50 (In Persian).
12. Keiyakajori, K., F. Roudgarnezhad and M. Pourisie. 2011. Presentation of conceptual model of barriers effective on rural entrepreneurship development. National Conference on Rural Development, Rasht: Mazandaran University. From: http://www.Civilica.com/paper-NCRURALDEV01NCRURALDEV01_002.html. (In Persian)
13. Khnifer, H. and F. Vakili. 2008. Relationship between organizational structure and organizational and economic entrepreneurship in small and medium enterprises. Quarterly of Entrepreneurship Development, 1(2): 55-35 (In Persian).
14. Lumpkin, G.T. and G.G. Dess. 1996. Clarifying the entrepreneurial orientation construct and linking it to performance. Academy of Management Review, 27(1): 135-172.
15. Mohhamadi, M. 2011. Women's employment and its role in the development of the country. Posted on Portal JobPortal: http://www.jobportal.ir/s1/Default.aspx?ID= 15-1-28710 (In Persian).
16. Mrjani, T. and S. S. Sadri. 2014. Social entrepreneurship development; damage, effective factors and solutions. Management of Organizational Culture, 12(2): 297-277 (In Persian).
17. Porghasem, F., A. Heidari and A.H. Alibeygi. 2011. Rural entrepreneurship implications on the way development. National Conference on Entrepreneurship cooperation, economic jihad 4-1. from: http://www.civilica.com (In Persian).
18. Razghandi, N. and K. Derani. 2008. Entrepreneurship education strategy: development and effectiveness, National Conference on Entrepreneurship, Creativity and Future Organizations. From: http://www.civilica.com (In Persian).
19. Saeedikiya, M. 2007. Principles and foundations of entrepreneurship, Tehran. Kia Publishing (In Persian).
20. Safari shali, R. 2008. Cultural and social factors related to the extent of participation of rural women in family and social affairs. Woman in Development and Politics (Women's Research), 6(20): 159-137 (In Persian).
21. Sathiabama, K. 2010. Rural women empowerment and entrepreneurship development, from: UNDP.(nd), Information brief micro entrepreneurship development for women and youth, From: http://www.undp.org.bd.

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]
[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]

Challenges for Rural Women Entrepreneurship Development (The Case Study: Ilam City)

Nasrin Kohi[1] and Hamed Chaharsoghi Amin[2]

1- Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Education, Islamic Azad University, Ilam Unit
2- Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Islamic Azad University, Ilam Unit,
(Corresponding author: h_chaharsoughi@outloook.com)
Received: February 12, 2019 Accepted: May 25, 2019

Abstract

The aim of this study was to identify the challenges of rural women entrepreneurship development in Ilam city. The statistical population of the study consisted of 51 rural women entrepreneurs in Ilam city who were studied by census method. The data gathering tool was a researcher-made questionnaire whose content validity was confirmed by the opinion of the faculty members and experts of rural extension and development. The reliability of the research instrument was determined using Cronbach's alpha coefficient (α = 0.78). Data analysis was done using descriptive statistics and factor analysis with $SSPS_{20}$ software. The results of factor analysis with exploratory approach led to the identification of four factors that explained in the form of educational training challenges, economic and legal challenges, individual and mental challenges, and socio-cultural challenges of 59.08% of the total variance. Extension and educational challenges as the first factor with a special amount of 2/631 had the highest share (21.62%) and social cultural challenges with a special amount of 1.306 of the lowest contribution (10.88%) in explaining the total variance.

Keywords: Challenge, Entrepreneurship, Ilam, Rural Women

[Downloaded from jea.sanru.ac.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.25383426.1397.5.10.3.9]

[DOI: 10.29252/jea.5.10.55]